

مد نظر
دانشجوی دوره دکتری
بخش فارسی، دانشگاه کشمیر

”ملاحمد توفیق غزل سرایی بزرگ سده دوازدهم هجری“

مملکت وسیع کشمیر از دیرباز گهواره، زبان و ادبیات فارسی بوده است و کدام نویندگان و شعرای بزرگ نه بوده اند که در این سرزمین پرورش نیافته و در پیش رفت و توسعه این زبان شریفین بذل مساعی نموده اند. دوره امپراطور سلاطین گورکانی درین مورد از همه بیشتر قابل ذکر است در هند با تشویق و کمک پادشاهان و امرای دربارشان نهال زبان ادبیات فارسی آبیاری می شد. برای بررسی موضوع و ترویج زبان فارسی در این سرزمین باید واقعات و حوادثی که در قرن چهارم دهم میلادی و حتی قبل از آن در کشمیر اتفاق افتاد از نظر بگذرانیم. نخست متذکر می شویم که روابط فرهنگی بین کشمیر سرزمین های اسلامی از قدیم الایام مشاهده می شود. وضع داخلی کشمیر جا از ابتدای قرن یازدهم میلادی رو بو خامت گذارده بود و این وضع همچنین تا قرن چهاردهم میلادی ادامه داشت. پادشاهی که در مدت این سه قرن بر تخت فرمانروایی کشمیر نشینند با ستشهای بعضی اشخاص جهان غیر مقتدر و نالایق بودند در نتیجه این همه ناامنی و اغتشاش زندگی مردم را کد شد. مهم ترین و خوفناک ترین حمله هجوم زولچو است که در سال ۱۲۲۲ هـ - ۱۳۲۰ م در زمان راجه سهد یو صورت گرفت. سهد یو از کاخ سلطنت فرار کرده در کشتوار پناه برد و بعد از خروج

زولچورتیچن پسر حکمران لداخ که قبل از حمله زولچو وارد کشمیر شد بود از اوضاع مضمحل و
 پریشان استفاده کرده عنان حکومت را بدست آورد. در این زمان سید شرف الدین
 معروف به بلبل^۱ به مسافرت و سیاحت کشمیر آمده بود رتیچن مذهب بودایی داشت و از
 ملاقات بلبل شاه مشرف به اسلام شده صدرالدین نام گزید. چند سال بعد از در
 گذشت سلطان صدرالدین رتیچن شاه، شهمیر که در دوره راجهای هندو از سوات کنز وارد
 کشمیر شده بود سلسله راجه های هندو را به پایان رسانید و سلطنت شهمیریه کشمیر را تاسیس
 کرد. همه حکمرانان این دوره محرک و مشوق زبان و ادبیات فارسی می بودند و در این
 زمینه سعی بلیغ نمودند بعد از آن چکان و مغولان زبان و ادبیات فارسی را آبیاری کردند و
 شعر و ادب فارسی در کشمیر رونق گرفت و پیشرفت بسزای داشت این دوره سلاطین کشمیر
 که مبنی بر دو بیست و پنجاه سال می باشد از لحاظ ادب و فرهنگ خیلی مهم می باشد. بعد از
 آن جلال الدین محمد اکبر اولین پادشاه مغول که کشمیر را مسخر کرد هم شاعر، سخن سنج و علم
 پرور می بود و در زمینه ادبیات کارهای نمایان انجام داد. شاعران ایران نثر ادب و وطن خود را
 ترک نموده به هند مهاجرت نمودند و به دربار اکبری ملحق شدند، عرتی، ابوطالب، کلیم،
 صائب، قدسی و جز آن پیشتر و یک سبک مخصوصی فارسی می باشند^۲. الحق هیچ جنبه حیات
 باشندگان کشمیر خالی از اثر آسیای میانه نه مانده است زبان، هنر و معماری، نقاشی و
 خطاطی، عادات و رسوم، لباس و غذا همه اثر و نفوذ ایران و آسیای میانه را به خود گرفته
 است به همین سبب کشمیر تا دیرگاه از عنوان ایران صیر معرفت داشته است. بعد از دوره
 مغول در کشمیر افغانان مسلط شدند هر چند که افغانان از لحاظ سیاسی و اجتماعی کشمیر قابل قبول
 اهالی کشمیر نبودند اما از لحاظ پیشرفت شعر و ادب فارسی بسیار غنی و پر ارزش بوده است سکه

چون مل استاندار کشمیر بود و هفت تن از شاعران کشمیر را برای شاهنامه نویسی انتخاب کرد که از این قرار اند: ملا محمد توفیق، شائق، سامی، راج، متین، نوید و حسن راجا۔ سکھ چون خودش هم شاعر باذل می باشد۔ از شعرهای زیر ادراک شعر فہمی وی توان کرد:

وضع از چشم جهان پوشیده بہ
سر بسر احوال آن نادیدہ بہ
ہر کہ چون من داشت جابر فرق گل
عاقبت در خاک و خون غلطیدہ بہ
گردھی شیرش دہد زہرت عوض
زین سیہ مار جهان ترسیدہ بہ
باز اگر چشم جهان بینم دہند
چون گدایان در بدر گردیدہ بہ ۳

ملا محمد توفیق کشمیری یکی از غزل سرایان بزرگ سده می باشد۔ ملا محمد توفیق
یعرف بہ لالہ جوی و متخلص بہ توفیق بود۔ شاعر برجستہ کشمیر پروردہ دورہ عالمگیری می
باشد کہ در دورہ افغانہ شہرت بسزا داشت۔ اینجا از زندگی نامہ وی حذر بکینم چون مقالہ
راجع بہ غزل سرایی وی معنون است۔ توفیق در غزلسرای دست تامہ داشت و از
کیفیات عشق و عشوہ طرازی حسن و معشوق آشنا بود۔ غزل های وی در زمینہ مکتب وقوع،
تصوف، عشق و عرفان سخن های راند۔ مکتب وقوع در اصل در سبک ہندی معروفیت بسزا
داشت و غرض از آن بیان کردن حالات عشق و عاشقی از روی واقع بود و بہ نظم آوردن
آنچہ کہ در میان عاشق بہ وقوع می پیوندد، یعنی شعر سادہ بہ پیرا بہ خالی از صنایع و

اغراقات شاعرانه می باشد- هنگامیکه ما به غزل های توفیق برمی خوریم مکتب وقوع در آن وجود دارد- توفیق سهل نگاری بکار برده است گرچه پیرو سبک هندی می باشد- مکتب وقوع از اشعار زبردت توان کرد:

آن چشم سرمه سارا من خوب می شناسم
آن ترک خودنما را من خوب می شناسم
حرف وفای خود را با دیگران بگویند
ای گلر خان شما را من خوب می شناسم
امن است در میان اندخوف است بر کران اند
یاران آشنا را من خوب می شناسم
خواهد گرفت توفیق دامن وصلت آخر
ابرام این گدا را من خوب می شناسم ۴

نکته دیگر تصوف می باشد که در غزل وی تاثیر عمیق دارد- راجع به این امر ذین العابدین مومنین می گوید:

”عرفان و تصوف که در قرن ششم و هفتم هجری باوج کمال رسیده بود شعر را از حالت ساده و صراحت اصلی آن عاری ساخته اساس آن پایه بر صنعت نهاد و برای درک نمودن شعر، آشنای با اصطلاحات و تعبیرات شعری و طرز و تفکر داری شاعر برای هر خواننده لازم گردید“ ۵

غزل بهترین وسیله ایست برای اظهار احساسات رقیق عارفانه شاعر، روح شاعر و عارف، تشنه عشق و معرفت الهی می باشد- طبع شوریده وی در عشق و عرفان پرورده باشد و

با هر چیزی عشق می‌وروزد۔ برای بیان نمودن عواطف و احساسات درونی خویش بار سنگین الفاظ حسن حقیقی مائل بود۔ قلب وی گنجینه از عشق و محبت بود و عشق زاود یحیٰ الہی می‌دانست۔ توفیق در اصل معتقد بود که شعر حقیقی زائیده سوز دل و گداز جگر می‌باشد و بنا به همین علت به غزل‌های عاشقانه پرداخته است می‌گوید:

افروخت شمع دل، زدم آتشین عشق
شد دیده روشناس ز نور یقین عشق
زلفی که در زمانه علم شد به سرکشی
دایم ز دور بوسه زند بر زمین عشق
توفیق هست شعر تو رنگین تمام لیک
گلدسته ایست این غزل از سر زمین عشق ۱

نکته مهم دیگر غزل توفیق این است که گرچه پیرو سبک هندی بوده ولی در صنایع شعری پیروی از سبک عراقی هم نموده است۔ در شعر خود بخصوص در غزل‌های خود از صنایع شعری استفاده نموده است۔ راجع به این از قبل اجناس زیر توجه کنید:
تلمیح:-

ز کنعان می‌رسم، نور نظر، اکسیر جان دارم
گهر در پله سنگ است با کالای بازارم

جناس:-

غم ندارم چون نظر دور گر انداخت مرا
دارم آن غم که مباد از نظر انداخت مرا

حسن تعلیل:-

چنان لعل لبث از اعتبار افکنده مرجان را
که گرتسبیج گردد کس نیارد در شمار آنرا ۹

تشبیہ:-

چون چشم تو، چشمی ای گل اندام
در خواب ندیده چشم با دام ۱۰

تجاهل عارفانہ:-

دین ما چیست؟ می پرستی ما
کعبه ما، سیاه مستی ما
رند شنگرد کوی خماریم
جام باشد چراغ دستی ما ۱۱

تلمیح:-

نجمها بادہ در جوش است و شوق بادہ در دلها
الا یابھا الساقی ادرکاساً و ناولھا ۱۲

تضاد:-

مزن توفیق دم بلبیل دل از گل
نگیرد هممنشین خار اگر شد ۱۳

غزل های توفیق نموداری است از احساسات تندور قیق او چیزی که کلام او را

جذاب و شیرین می سازد در وهله اول دردمندی شاعر و در وهله دوم رقت و نازک خیالی او می باشد. او اندیشه های نهانی خویش را با عالم ظاهر آمیخته و زیبایی های طبیعت از قبیل، گل و لاله، سرو و سنبل، نرگس و ریحان، گل و بوستان و در رنگینی بهار جمال محبوب را مشاهده می کند. هر چیز در نظر او زیبا بود و این مشاهده وی در نتیجه آب و هوای پاکیزه کشمیر بسیار عمیق بود. به همین علت بیشتر غزل های توفیق از نغمه و سرور و مستی موج می زند. وقتی زیبایی های بهار و طربناکی بوستان خرمی هوا خاطرش را می شگفاند، بیاد محبوب زیباروی خویش می افتد و دیوانه وار می سراید:

دور از تو ای بهشت تماشا باغها

گل های تر نموده خراشیده داغها ۱۴

من الحیث المجموع می توان گفت که توفیق غزل سرای بزرگ سده دوازدهم می باشد و در غزل سرایی دست تامه داشته است.

- ۱ Kashmir under sultan's Mohib ul Hassan p. 16.
- ۲ بنابه مختصصت صفویان شعر فارسی در ناحیه ایران کاهید شد و شاعران آن دیار به هند پناهنده شدند و در دربار شاهان مغلیه شهرت بسزاداشتند که چندتن از آنها در مزارالشعرادر گجن مدفون اند۔
- ۳ تاریخ حسن، غلام حسن کھویہامی، جلد دوم، ص ۶۹۱۔ ایضاً، نگارستان کشمیر ص ۲۲۳
- ۴ کلیات توفیق، مصحح ومدون وصی اختر ص ۱۸۴
- ۵ برای اطلاع بیشتری رجوع شود بہ شعر و ادب فارسی مولفہ ذین العابدین مومن، ص ۹۴
- ۶ کلیات توفیق، مصحح ومدون وصی اختر ص ۱۶۹
- ۷ همان مآخذ ص ۱۷۴
- ۸ همان مآخذ ص ۱۰۰
- ۹ همان مآخذ ص ۱۳۲
- ۱۰ همان مآخذ ص ۱۸۴
- ۱۱ همان مآخذ ص ۸۶
- ۱۲ همان مآخذ ص ۸۶
- ۱۳ همان مآخذ ص ۱۵۳
- ۱۴ همان مآخذ ص ۱۰۱

کتاب نامہ

- (۱) تاریخ حسن، پیر غلام حسن کھویہامی، ۴ جلد، مطبوعہ محکمہ تحقیق و اشاعت جامو و کشمیر
- (۲) پارسی سرایان کشمیر، دکتر، گ، ل، تیکو، مطبوعہ تہران
- (۳) کلیات توفیق، محمد وصی اختر، مطبوعہ پتہ بہار،
- (۴) مکتب وقوع در شعر فارسی، دکتر احمد گلچین معانی، مطبوعہ تہران
- (۵) تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح اللہ صفا، مطبوعہ تہران

English Books

- (1) Vally of Kashmir, Sir Walter Lawrence Oxford University press, London.
- (2) Kashmir under Sultan's, Prof. Mohib-ul-Hassan, Edtd, by- H. N. Rafiabadi, Gulshan Publishers Sgr.

